

نظری اجمالی به زیان‌های ناشی از تبعیضات اقتصادی بر ضد جامعه بهائی برای دولت ایران

هوشمند بدیعی

و کندی و یا توقف رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد. البته سیاست‌های تبعیض‌آمیز بر ضد جامعه بهائی در ایران تنها در امور اقتصادی و بازرگانی نیست و تقریباً اکثر جوانب زندگی یک بهائی به عنوان یک شهروند ایرانی را شامل می‌شود. بررسی تاریخی نقض حقوق بنیادین بهائیان در ایران توسط محققین بهائی و غیربهائی شده است. در بحث حاضر از ملاحظات تاریخی خودداری شده و بطور خلاصه به تأثیرات نامطلوب اقتصادی و بازرگانی که از طریق سیاست‌های تبعیض‌آمیز بر ضد بهائیان ایران صورت گرفته، اشاره می‌شود. در ابتدای این بحث اشاره به نمونه‌هایی از اعمال محرومیت‌های اقتصادی و بازرگانی بر ضد بهائیان که در طول ۳۵ سال گذشته از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر مسئولین اتخاذ شده می‌پردازیم:

یورش‌های مکرر به محل کسب و تخریب تعدادی از کارخانه‌های تولیدی متعلق به

نادیده انگاشتن حقوق اساسی شهروندان ایران پس از تغییر رژیم سیاسی در سال ۱۳۵۷ ه. ش مطابق با ۱۹۷۹ میلادی و سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای که در قبال جامعه بهائی - بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی در ایران - اعمال شده از طریق رسانه‌های ملی و بین‌المللی منتشر و مورد انتقاد دولت‌های آزادی‌خواه و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. آنچه که کمتر مورد بحث قرار گرفته، محرومیت‌ها و سرکوبی‌های شدید اقتصادی و بازرگانی است که از طریق محدودیت‌ها و وضع مستمر سیاست‌های تبعیض‌آمیز و قوانین شدید بر ضد بهائیان ایران اعمال شده است.

این نوشته به تحلیل این مطلب پرداخته و اثرات ناشی از چنین محرومیت‌هایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این بحث اشاره به این نکته خواهد شد که رابطه‌ای نزدیک بین محرومیت‌های اقتصادی اقلیت‌های مذهبی و افزایش برخی شاخص‌های منفی مانند بیکاری

بهائیان و سکوت دولت در مقابل آن، توقیف پروانه فعالیت و لغو جواز کسب واحدهای اقتصادی، تعطیل کردن بیش از ۱۵ کارخانه و واحد صنعتی و محروم کردن ده‌ها خانواده از تنها منبع معیشت خود، خودداری کردن بانک‌ها از تمدید مهلت بازپرداخت وام‌های بهائیان، آزار و اذیت کشاورزان بهائی، اعمال فشار و محدودیت‌ها برای ممنوعیت هر نوع داد و ستد شهروندان غیربهائی با کسبه و تاجران بهائی، عدم اجازه به بهائیان برای کار کردن در بخش‌های دولتی و همچنین محدودیت‌های شدید برای اشتغال در بخش‌های خصوصی و مناسب خصوصاً در رده بالای اجتماعی، اخراج بهائیان و ممنوعیت اشتغال آنان در ۲۵ عنوان شغلی از بخش تولید و توزیع کالا و خدمات گرفته تا حتی گل‌آرایی و محرومیت از اشتغال به هر شغلی که دستمزد آن از «میزان حد اقل دستمزد» بیشتر باشد، محروم داشتن جوانان بهائی از تحصیل در دانشگاه‌ها و مصادره دست کم ۶۴۰ مسکن و خانه بهائیان. جامعه بین‌المللی بهائی با اشاره به نمونه‌های ذکر شده چنین می‌نویسد: «حملات بر کسب و کار بهائیان در ایران نشانی از عزم مقامات مسئول برای سد کردن امکان رشد اقتصادی جامعه بهائی صرفاً بر مبنای باورهای دینی آنان دارد».

از جمله اثرات نامطلوب تبعیضات اقتصادی بر ضد اقلیت بهائی و یا هر گروه دیگر مشکل بیکاری است. بیکاری، آنگونه که در علم اقتصاد تعریف شده عبارت است از بیکاری و سکوت دولت در مقابل آن، توقیف پروانه فعالیت و لغو جواز کسب واحدهای اقتصادی، تعطیل کردن بیش از ۱۵ کارخانه و واحد صنعتی و محروم کردن ده‌ها خانواده از تنها منبع معیشت خود، خودداری کردن بانک‌ها از تمدید مهلت بازپرداخت وام‌های بهائیان، آزار و اذیت کشاورزان بهائی، اعمال فشار و محدودیت‌ها برای ممنوعیت هر نوع داد و ستد شهروندان غیربهائی با کسبه و تاجران بهائی، عدم اجازه به بهائیان برای کار کردن در بخش‌های دولتی و همچنین محدودیت‌های شدید برای اشتغال در بخش‌های خصوصی و مناسب خصوصاً در رده بالای اجتماعی، اخراج بهائیان و ممنوعیت اشتغال آنان در ۲۵ عنوان شغلی از بخش تولید و توزیع کالا و خدمات گرفته تا حتی گل‌آرایی و محرومیت از اشتغال به هر شغلی که دستمزد آن از «میزان حد اقل دستمزد» بیشتر باشد، محروم داشتن جوانان بهائی از تحصیل در دانشگاه‌ها و مصادره دست کم ۶۴۰ مسکن و خانه بهائیان. جامعه بین‌المللی بهائی با اشاره به نمونه‌های ذکر شده چنین می‌نویسد: «حملات بر کسب و کار بهائیان در ایران نشانی از عزم مقامات مسئول برای سد کردن امکان رشد اقتصادی جامعه بهائی صرفاً بر مبنای باورهای دینی آنان دارد».

تبعیض در بخش خصوصی، به شکل‌های گوناگونی صورت می‌گیرد از جمله آنکه کارفرمای یک مؤسسه ممکن است از طرف دولت تحت فشار قرار گیرد تا کارمندان استخدام شده را که از اقلیت بهائی هستند اخراج نماید. در چنین شرایطی به مؤسسه مزبور نیز صدمات مالی وارد می‌شود. از جمله این که هزینه‌ای را که جهت پخش آگهی، مراحل

تبعیض در رابطه با تبعیض در بازار کار از طریق بخش‌های عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد. در بخش عمومی، دولت مستقیماً به وسیله اتخاذ قوانین شدید و سازماندهی شده از استخدام افرادی که از اقلیت هستند جلوگیری می‌کند. در این خصوص به نظر می‌رسد که تعدادی از خدمات عمومی مانند آموزش و پرورش و بهداشت و جمیع خدماتی که جنبه عام المنفعه داشته باشند، رابطه نزدیک با تعالیم بهائی دارند و از این رو مورد توجه و علاقه بهائیان قرار گرفته‌اند. دکتر مؤژان مؤمن به این مطلب اشاره کرده و چنین می‌نویسد: «در سال ۱۹۷۹... تعداد کثیری از بهائیان در ایران که دارای تحصیلات عالی بوده و در این زمینه تخصص داشته‌اند، از کار در بخش عمومی برکنار شده‌اند». (ترجمه) بر طبق تحقیقات این محقق تعداد افراد بهائی که در دهه ۱۹۸۰ از کارهای دولتی اخراج گشته‌اند به ده هزار نفر می‌رسد.

تبعیض در بخش خصوصی، به شکل‌های گوناگونی صورت می‌گیرد از جمله آنکه کارفرمای یک مؤسسه ممکن است از طرف دولت تحت فشار قرار گیرد تا کارمندان استخدام شده را که از اقلیت بهائی هستند اخراج نماید. در چنین شرایطی به مؤسسه مزبور نیز صدمات مالی وارد می‌شود. از جمله این که هزینه‌ای را که جهت پخش آگهی، مراحل

استخدام، کارآموزی و غیره متحمل شده، از دست می‌دهد چه که برای جایگزین کردن نیروی جدید جمیع این مراحل می‌بایست تکرار شود.

از دیدگاه بهائی کار و وظیفه‌ای است دینی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی. یک فرد بهائی تلاش بر این دارد که وقت را به بطالت نگذراند و جزو بیکاران جامعه قرار نگیرد. بر طبق آثار مبارکه کار بر هر فرد بهائی واجب است و اگر کار با روح خدمت توأم باشد حکم عبادت دارد. در این باره حضرت بهاء‌الله چنین می‌فرماید:

«قد وجب علی کل واحد منکم الاشتغال بامر من الامور. هر نفسی به صنعتی و یا به کسبی مشغول شود و عمل نماید، آن عمل نفس عبادت عندالله محسوب»

همچنین در آثار مبارکه به مقام انسان و نیروی انسانی در خدمت جامعه اهمیت فراوان داده شده، در بیانی حضرت بهاء‌الله چنین می‌فرماید:

«امروز روز ظهور مقامات انسانیت، جهد نمایند تا از شما ظاهر شود آنچه لایق هست»

در علم اقتصاد نیز با ارزش‌ترین سرمایه یک کشور نیروی انسانی است که مهم‌ترین عامل تولید محسوب می‌شود، زیرا توانایی ترکیب سایر عوامل تولید مانند منابع طبیعی و سرمایه و تکنولوژی و ماشین آلات را دارد. بنا بر این بر طبق آثار بهائی و علم اقتصاد مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده توسعه اقتصادی و اجتماعی در

یک کشور منابع انسانی فعال آن است و از این رو بیکاری از موانع عمده توسعه اقتصاد بشمار می‌آید. شارع آئین بهائی به نقش تربیت و اهمیت آن اشاره می‌فرماید که از طریق آن از انسان ظاهر می‌شود آنچه که به کل جامعه منفعت می‌رساند، می‌فرماید:

«انسان را بمثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما. به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد»

با توجه به این بیانات مبارکه، یک فرد بهائی سعی و کوشش دارد، از نظر اقتصادی جزو عناصر فعال یک جامعه باشد. از دیدگاه بهائی کار از جنبه مادی آن خارج شده و در یک قالب روحانی بیان گشته است. از این رو بهائیان خود را موظف می‌دانند، در هر شغلی که مشغولند کمال دقت و صداقت را رعایت نمایند. بلاشک این رفتار حسنه کارگران و کارفرمایان بهائی به ایجاد اعتماد در خدمت به مشتری، به تکرار خرید کالا توسط خریداران می‌انجامد و زمینه رقابت سالم اخلاقی در اقتصاد و در بازار کار را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، رفع تبعیضات، شکوفایی اقتصادی را نیز به همراه دارد. از این رو، نقض حقوق انسانی و محدودیت‌های اقتصادی بر ضد بهائیان فرصت‌های شغلی را از آنان گرفته و درهای بازار کار را به روی آنان بسته، و فشار روانی و اجتماعی و اقتصادی را بر آنان و خانواده‌هایشان وارد می‌سازد. همچنین اگر دوران بیکاری طولانی شود، امکان آن هست

می انجامد. بنگاه‌های اقتصادی در بخش خصوصی که اهدافی مانند سهم بیشتر در بازار، امکان رقابت، تولید مرغوب‌تر و سود بالاتر دارند، دلیلی برای تحمیل محدودیت‌های شغلی نمی‌بینند. به عبارت دیگر، آنچه که برای بنگاه‌های اقتصادی و بازرگانی و مدیران و کارفرمایان مهم است رسیدن به اهداف بنگاه است و لازمه آن ایجاد یک محیط شغلی مساعد و فرصت‌های کاری مساوی برای همه کارگران و کارمندان می‌باشد. از قبل بیان شد که از دیدگاه بهائی، نیروی انسانی با ارزش‌ترین منبع تولید محسوب می‌شود و پیروان این آئین تشویق شده‌اند که در کسب علم و دانش و انتخاب حرفه و تخصص بکوشند و اوقات خود را به بطالت صرف نمایند. منبع انسانی نیروی بالفعل محسوب می‌شود و با بهره‌گیری از سایر نیروهای بالقوه مانند تکنولوژی، سرمایه و منابع طبیعی فرآیند تولید افزایش می‌یابد. حال آن که محدودیت‌های قانونی برای جوانان بهائی در ایران و ممانعت آنان از تحصیل در مقاطع عالی، مانع کسب علم و دانش فنی شده و به محرومیت آنان در بازار کار می‌انجامد. در چنین شرایطی به جوانان بهائی فرصت برابر با سایر افراد جامعه داده نشده تا مسیر زندگی خود را تعیین نمایند و سعادت خدمت به جامعه خود را که از مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی آنان است کسب نمایند. البته با وجود همه این محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، جوانان بهائی در آن کشور تا آنجا که برایشان امکان‌پذیر بوده از

که فرد بیکار نسبت به مهارت شغلی خود بی‌علاقه شده و یا دل‌سرد گردد، چرا که بیکاری طولانی به از دست دادن دانش و مهارت و کارایی مطابق روز می‌انجامد. چنین امری باعث می‌شود که بعداً بنگاه‌های اقتصادی و بازرگانی از به کارگیری و استخدام چنین افرادی پرهیز کنند.

تهدیدات اقتصادی سازماندهی شده و روشمند از سوی متصدیان حکومت بر ضد جامعه بهائی باعث شده که تعداد کثیری از افراد این جامعه به بیکاری طولانی دچار شوند. برای گروهی که کار برایشان حکم عبادت دارد و خدمت به نوع بشر جزو عقاید دینی و وجدانی محسوب می‌شود بیکاری از روی اجبار بسیار دردناک است. چنین رفتار تبعیض‌آمیز بر ضد هر گروه و اقلیتی اثرات ناخوشایند روانی و اجتماعی و اقتصادی در بردارد. از این رو، ایجاد و تحمیل بیکاری از طریق قوانین شدید دولتی بر ضد اقلیت‌ها در ایران، یک مصیبت بزرگ برای همه جامعه محسوب می‌شود بخصوص که مؤسسات و کارخانجات در بخش خصوصی مایلند از مهارت هر شهروند ایرانی بدون توجه به مذهب و یا قومیت آنان برای پیشبرد خدمات و مقاصد خود بهره‌برند. در چنین شرایطی فشار به بنگاه‌های اقتصادی و کارفرمایان مبنی بر استخدام نکردن بهائیان و یا هر گروه دیگر باعث بس نگرانی است و بازتاب آن در بازار کار سبب رکود کار در بعضی از عرصه‌های اقتصاد شده و به کاهش عرضه بعضی از کالاها و خدمات ضروری

خدمت به جامعه خود کوتاهی نکرده‌اند.

بیکاری به هر دلیلی که باشد و یا برای هر فردی صورت گیرد، به کمی درآمد می‌انجامد که نه تنها برای خود بیکاران مشکل‌آفرین است بلکه به صاحبان بنگاه‌های اقتصادی نیز صدمه مالی وارد می‌سازد. بطور مثال افراد بهائی نیز مانند سایر اقشار جامعه به عنوان خریدار و یا مشتری محسوب می‌شوند از این رو نیاز به درآمد کافی برای خرید کالا و خدمات لازمه دارند. عدم وجود کار و درآمد کافی باعث رکود داد و ستد می‌شود. در صورتی که درصد بیکاری در یک جامعه پایین باشد، افراد آن برای کسب رفاه بیشتر، متقاضی عرضه بیشتر کالا و خدمات می‌شوند. در یک اقتصاد سالم و بدون تبعیض جمیع شرکت‌کنندگان در بازار از اوضاع مناسب برخوردار بوده و نتیجه آن رفاه نسبی برای عموم می‌باشد.

آزادی ادیان از یک سو دلبستگی کاری برای پیروان همه مذاهب ایجاد می‌کند و از سوی دیگر به کارفرمایان شجاعت استخدام افراد از اقلیت‌های مذهبی را می‌دهد. آزادی و برابری به پیروان ادیان آرامش خاطر و دلگرمی می‌دهد، در آنان حس امنیت شغلی به وجود می‌آورد و احساس مفید بودن برای پیشرفت جامعه را در بر دارد. همچنین حمایت دولت از اقلیت‌ها منجر به ایجاد حس پیوند با کار شده و در نتیجه توانایی و قابلیت افراد را برای پیشبرد اهداف بنگاه‌های اقتصادی متجلی می‌کند. در یک جامعه آزاد، امنیت اجتماعی و شغلی بین کارگر و کارفرما که در سایه آزادی و حمایت از

قانون فراهم می‌شود، نه تنها محیط کاری آرمانی مستعد و پیشرو بوجود می‌آورد، بلکه این برابری و آزادی و امنیت روانی، وجدانی و شغلی از محیط بازار به کل جامعه سرایت می‌کند.

علاوه بر موضوع کار و اهمیت آن در رفاه و آسایش افراد یک جامعه و اقتصاد کل کشور، به چند شاخص دیگر که رابطه نزدیک با این بحث دارند و در رشد و توسعه اقتصادی مؤثرند، اشاره می‌شود:

از عوامل مهمی که از نظر کمی و کیفی در رشد و توسعه اقتصادی یک کشور مؤثرند، عبارتند از تحصیلات ابتدایی و متوسط و عالی، علم و دانش فنی و پیشرفت در صنعت و اطلاعات. هر چند اهمیت تحصیلات ابتدایی غیر قابل انکار است، ولیکن تحصیل علوم و فنون در سطح عالی می‌باشند که به نسبت فراوان در تحقیقات علمی و صنعتی و نوآوری صنایع و ماشین‌آلات و اطلاعات کامپیوتری نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. با نگاهی به پیشرفت اقتصادی کشورهای جدید توسعه‌یافته مانند کره جنوبی، برزیل، سنگاپور و مالزی، حقیقت این مطلب روشن می‌شود. کشورهای مزبور تا حد زیادی از نیروی انسانی خود در رابطه با تحصیلات عالی و علوم فنی استفاده کرده که در رفاه عمومی شهروندان مؤثر بوده است. به نظر بنده یکی از علل پیشرفت این ممالک حمایت دولت و مسئولین کشور از جوانان می‌باشد. حال، این باعث بسی تأسف است که جوانان بهائی در ایران که اهمیت

محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی از عواملی هستند که باعث ایجاد انگیزه مثبت در زنان شده و این طبقه پراستعداد جامعه را به انجام فعالیت‌هایی که شایسته مقام آنان است می‌کند. چنین انگیزه‌ای در زنان و شرکت فعالانه آنان در بازار کار منجر به افزایش تولید شده و در بالا بردن رشد و توسعه اقتصادی کمک فراوانی می‌کند. یکی از تعالیم اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی آئین بهائی تساوی حقوق بین زنان و مردان است. لازمه اجرای چنین تعلیمی بوجود آوردن فرصت‌های مساوی برای هر دو طبقه می‌باشد تا دوش به دوش یکدیگر در خدمت جامعه قرار گیرند. زنان بهائی در هر گوشه‌ای از جهان که هستند خدمت به جامعه را از وظائف وجدانی و اجتماعی خود دانسته و در نهایت سعی و کوشش به آن عمل می‌نمایند. شرکت زنان در بازار کار به تعداد جمعیت فعال اقتصادی می‌افزاید و تولید کالا و خدمات اجتماعی را افزایش می‌دهد.

عامل دیگر که در افزایش رشد و توسعه اقتصادی یک کشور مؤثر است و در چند دهه اخیر اهمیت فراوان به آن داده شده، نقش جهانگردی و یا توریسم می‌باشد. کشور ایران با تاریخ ۲۵۰۰ ساله‌اش که دارای تعداد زیادی از پرازش‌ترین آثار طبیعی و باستانی جهان است و شامل اماکن معماری با سبک‌های بسیار زیبا می‌باشد، بطور یقین می‌تواند یک منبع مهم اقتصادی بشمار آید و بطور مستقیم در بالا بردن درآمد سرانه مملکت تأثیرگذار باشد. در رابطه

اخلاقی و معنوی به عنوان انگیزه‌دهنده در ترویج رشد و توسعه پایدار به عنوان خط مشی برجسته مشارکت آنان است، از فراگیری تحصیلات عالی و علم و دانش فنی محروم باشند. در بازار کار، اکثراً درآمد فارغ التحصیلان دانشگاهی از غیردانشگاهی بیشتر است. رهبر دینی ایران بیان داشتند که بهائیان اجازه استخدام در شغل‌های "با درآمد بالا" را ندارند. از آنجا که تحصیلات عالی به کسب درآمد بالا می‌انجامد، جوانان بهائی از آن محروم شده‌اند. ابراز و اتخاذ چنین سیاستی باعث می‌شود که افراد بهائی جزو طبقه کم درآمد جامعه قرار گیرند. از آنجا که سطح درآمد شهروندان در تعیین افزایش رشد اقتصادی یک کشور مؤثر است، بجاست که دولت ایران و سایر مسئولین کشور، جوانان را- از هر قوم و اقلیتی که باشند- به کسب تحصیلات عالی تشویق نماید، بجای آنکه سدی برای پیشرفت آنان و در نهایت برای پیشبرد رشد اقتصادی کشور قرار گیرند. لذا درآمد پایین شهروندان و از جمله بهائیان نه تنها در تعیین امرار معاش مؤثر است، بلکه در کاهش رشد اقتصادی نیز اثر فراوان دارد. البته شاخص‌های دیگر مانند عدم روحیه مثبت برای کار، سلامتی و امید به زندگی نیز در تعیین رشد و توسعه مؤثر می‌باشند. از عوامل دیگر که در رشد و توسعه اقتصادی یک کشور مؤثر است وجود آزادی و برابری برای جمیع شهروندان و از جمله برای زنان است. حق تصمیم‌گیری آزاد، ایجاد فرصت‌های مساوی برای زنان و مردان و عدم

با عامل جهانگردی و نسبت آن با آئین بهائی در کشور ایران، باید به این نکته اشاره نمود که زادگاه دیانت بهائی ایران است و تعدادی از مقدّس‌ترین اماکن این آئین در این سرزمین قرار دارند.

از سال ۱۳۵۷ شمسی تعدادی از این اماکن مقدّسه بطور کلی ویران و تعدادی دیگر از طرف مقامات دولتی مصادره شده‌اند. از نظر اهمّیت جهانگردی، این اماکن مقدّسه قادر بودند، هر ساله تعداد زیادی از بهائیان عالم را به قصد زیارت به کشور ایران جذب نمایند. آزادی ادیان در ایران می‌تواند به جهانگردان دلگرمی دهد که آن کشور محلّ امنی برای همهٔ ادیان است و جهانگردان را از هر قوم و نژاد و ملّت و دینی که هستند به آن سرزمین خوش آمد گوید. متأسّفانه به علّت عدم احترام به مقدّسات بهائی از طرف دولت و رهبران دینی، چنین فرصت‌های مناسب برای جذب جهانگردان خارجی و از جمله بهائیان که در نقاط مختلف عالم ساکنند، از دست رفته است. صنعت جهانگردی ایران بالقوه قادر است جایگزین مؤثّری برای منابع نفتی ایران باشد که احتمالاً بیش از چند دههٔ دیگر دوام نخواهد داشت. ۷۰